کد خبر: ۴۰۹۲۷۱
شنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۱ ۱۴:۳۸

برزخ حمایت یا انتقاد از دولت

آقای کاظم انبارلویی تحلیل گر سیاسی و عضو شورای مرکزی حزب موتلفه اسلامی که یکی از احزاب اصلی اصولگراست و تاکنون حامی دولت و مجلس فعلی بوده است؛

به گزارش سایت خبری پرسون، حمید حاجی زاده در یادداشتی نوشت: کاظم انبالویی، اخیرا گفته است که مسئولان این دولت به هر هدفی که اراده کرده اند، رسیده اند. به بهانه ی این تعبیر، نگاهی به موضوع حمایت یا نقد دولت در اظهارات اخیر چهره های شاخص اصولگرا در این نوشتار می اندازیم.

نوش داروی اراده دولت

موضوع رفع مشکلات و بخصوص مشکل معیشت مردم مانند مرغ عزا و عروسی که در هر حال به پای مقاصد ذبح می شود، فصل مشترک شعارهای انتخاباتی مانند مجلس و بخصوص ریاست جمهوری در دهه های اخیر بوده است. بی تردید نگاهی به فهرست شعارهای انتخاباتی نامزدها می تواند میزان درستی این توصیف را نشان دهد. این در حالی است که رفع مشکل معیشت همواره خواست مردم و مطالبه رهبری نیز بوده است. بنابر این جا دارد از آقای انبارلویی که معتقد است دولت فعلی به هر هدفی که أراده کرده است رسیده است پرسید که چرا دولت باگذشت نزدیک به یکسال از عمر چهارساله اش برای این وعده ی اصلی خودش هنوز أراده نکرده است.

قدر مسلم نمی توان برای انجام نشدن وعده ها گناه را بر گردن دولت های قبلی انداخت، چرا که وعده ها در زمانی داده می شد که عمر دولتهای قبلی به پایان رسیده بود و قاعدتا کسی که خودش را برای این مسئولیت آماده کرده بود باید با وضعیت موجود در زمان وعده دادن آشنا می بود و منطقا وعده ها را بر أساس مختصات وقت می داد.

البته ممکن است ادعا شود که برای دیده شدن نتایج بعضی از أراده ها زمان بیشتری نیاز است. می توان این دلیل را برای وعده هایی که از جنس درازمدت هستند قابل توجه دانست و با همین استدلال بود که نگارنده این سطور در یکسال گذشته قلم به نقد عملکرد دولت برنداشت و همانطور که در مقاله ای در زمان انتخابات قول داده بود، مشی سکوت را تا سررسیدن زمان مقتضی و حداقل یکساله در پیش گرفت، نقدی که در زمان مناسب هم باید با نگاه کارشناسی و متکی بر اعداد و ارقام قابل اتکا و تحلیل های جامع تنظیم شود و بر پایه انصاف باشد. اما یادمان باشد که اصولا نمی توان مانند یک شاگرد کنکوری، خواندن همه درس ها را به شب کنکور موکول کرد، چرا که تجربه به همه ما نشان داده است در شب کنکور نه فرصت خواندن همه ی کتابها دست می دهد و نه حوصله اش، ضمن این که کارشناسان می گویند باید جوری برنامه ریزی کرد که بتوان شب کنکور را خوب خوابید و صبح روز بعد را با نشاط شروع کرد.

حمایت یا انتقاد

با وجود خوشتنداری عده ای از نقد جامع دولت، این روزها از اردوگاه اصولگرایان که حامیان دولت و مجلس فعلی بودند صداهای مختلفی در این رابطه به گوش می رسد. نگاهی به اظهارات فوق الذکر آقای انبارلویی و مقایسه آن با دیگر اظهارات اعضای موثر همان حزب مثالی از این وضع است.

هنوز زمان زیادی از انتشار یادداشت آقای حسن پیرهادی در سرمقاله روزنامه وابسته به همان حزب نگذشته است که در نقد عملکرد دولت آقایی رئیسی نوشته بود: «در یک‌سالی که گذشت، مردم امیدوار از نطق‌های غرای «ما می‌توانیم» و صدور دستورهای متوالی و مکرر برای حل مشکلات اقتصادی، منتظر به ثمر نشستن وعده‌های انتخاباتی ما هستند، ما باید بدانیم برای پاسخگویی به این مطالبه بحق آنان تا ابد فرصت نداریم.»

اگر چه هنوز چند صباحی تا یکسالگی عمر دولت فعلی که به اذعان تحلیلگران حمایت قوی ارکان مختلف نظام را هم با خود دارد مانده بود اما شاید نگاهی به وعده های بسیاری که آقای رئیس جمهور در شعارهای انتخاباتی و یا حتی پس از تشکیل دولت داده بود آقای پیرهادی را به این موضع رسانده بود. این اظهارات نشان می داد که روزها و ماهها گذشته است و حتی ممکن است که سال های دوره ی چهار ساله نیز به سرعت بگذرد و دولت و احتمالا به تبع آن مجلسی که به همراستا بودن با دولت اهتمام دارد و حتی احزابی که از شکل گیری این دولت و مجلس حمایت کرده اند مجبور به پاسخگویی به افکار عمومی و حداقل به حامیان خود باشند. واقعیتی که آقای پیرهادی در ادامه مقاله اش اذعان می کند و می نویسد:« جامعه از حضور جریان انقلابی در سه قوه، انتظار گشایش در اوضاع معیشتی دارد. گشایشی که پیگیری‌ها و تلاش‌های مستمر و بی‌درنگ مجلس و دولت در ماه‌های گذشته، نشان داده نیازمند تدبیری جدید و به‌روزتر است.»

آقای انبارلویی اما مانند بعضی از حامیان دولت هنوز ممکن است خود را مقید به حمایت از عملکرد دولت بداند و به همین دلیل هم در تمام مصاحبه اش سعی کرده است جانب حمایت از دولت را رها نکند و حتی ادعا کرده است که این دولت به همه اهداف خودش رسیده است. با این وجود دیدگاههای متفاوتی در حزب ایشان هم به گوش می رسد،از سوی آن هایی که احتمالا مشکلات روزافزون مردم را می بینند و وعده های داده شده را هم به یاد دارند. به عنوان نمونه در همان سرمقاله روزنامه وابسته به حزب موتلفه که به قلم آقای پیرهادی نوشته شده بود اشاره ای به قضاوت افکار

عمومی از شرایط فعلی در صورت استمرار این وضعیت شده و گفته شده بود:« برای جمعی از مردم این تصور ایجاد می‌شود که مسئولان به جای کار جهادی به گفتاردرمانی رو آورده‌اند.»

درست است که آقای پیرهادی سخنگوی حزب یاد شده نیست و نمی توان دیدگاه او را موضع رسمی حزب دانست اما انتقاد صریح آقای اسدالله بادامچیان دبیرکل حزب موتلفه اسلامی در مصاحبه اختصاصی با خبرآنلاین در کافه خبر را می توان گوشه ای از موضع احتمالی حزب دانست. آقای بادامچیان در کنار تعابیر خوبی که برای دولت به کار برده بود اذعان کرده بود که دولت در کاهش قیمت و ساخت مسکن موفق عمل نکرده است. با این وصف جا دارد از آقای انبارلویی بپرسیم چگونه می توان ادعا کرد دولتی که در واقع نتوانسته در تحقق دو وعده زیربنایی خود موفق عمل کند به همه اهدافش رسیده است؟

از حمایت تا انتقاد

ممکن است بتوان تفاوت در نگاه یک عضو شورای مرکزی حزب موتلفه با نگاه روزنامه وابسته به آن حزب و دبیرکلش را طبیعی و ناشی از تفاوت در لحن بدانیم و نتوانیم آن را نشانه تکثر و چند صدایی بون دیدگاه های ارکان حزب موتلفه قلمداد کنیم اما به نظر می رسد که دامنه انتقادات در میان اصولگرایان به عنوان حامیان اصلی دولت به تدریج بالا گرفته است و فراتر از این است.

آقای قالیباف هفته گذشته در جمع ائمه جمعه کشور انتقاد های متعددی را به دولت وارد کرده بود و گفته بود: "مشکل کشور پول نیست، عُرضه است".

او که در حقیقت مشکل مدیریت کشور را به کم عرضه بودن متولیان عرصه مدیریت مربوط دانسته بود این هفته نیز در صحن علنی مجلس نوک پیکان حمله خود را به سمت جراحی اقتصادی دولت و طرح دارو یار نشانه رفت. آقای قالیباف کسی است که با وجود کناره گیری در رقابت سال ۹۶ به نفع آقای رئیسی خود را همچنان در قامت رقیب رئیس دولت می بیند. این که آیا موضع انتقادی او به تعبیر عده ای از تحلیلگران سیاسی و سیاستمدارانه است و می خواهد خود و همفکرانش را در آخرین سال عمر مجلس فعلی نزد افکار عمومی متمایز جلوه دهد و حتی به تعبیر بعضی از تحلیل گران نوعی فرافکنی است یا واقعا این موضع از سر دلسوزی برای مردم و حتی عاقبت به خیری دولت گرفته شده فرق چندانی ندارد. چه مجلس این ماه های باقی مانده را با همان فرمان حمایت از دولت پیش برود و یار گرمابه و گلستان دولت بماند و چه این که با مشت و لگد به جان دولت بیافتد نمی تواند دامن خود را از موضوع حمایت از دولت برچیند. انصافا شرایط این بخش از اصولگرایان شرایط سختی است، نه می توانند بر موضع حمایت باقی بمانند و تبعات احتمالی این حمایت را بعدا به جان بخرند و نه می توانند از موضع طولانی خود عدول کنند.

نوسانات ناگهانی و غیر قابل پیش بینی مواضع برخی از آن ها نیز احتمالا به دلیل همین برزخ است. یکی از آخرین نمونه های آن آقای مجتبی ذوالنوری نماینده قم و عضو کمیسیون امنیت مجلس است که اخیرا به صراحت به انتقاد از دولت پرداخت و در نطق پیش از دستور خود در صحن علنی مجلس گفت: « حرکت دولت مانند حرکت کسی است که روی تردمیل می دود و مسافتی طی نمی شود » و در کمتر از چهل و هشت ساعت با بیان اینکه با همه وجود از دولت حمایت می‌کنم گفت که نطق اخیرش به معنی تضعیف دولت یا خرده گیری به دولت نبود بلکه در حقیقت یک تذکر صمیمانه، دوستانه، مشفقانه بود. تشخیص این که آیا نطق آقای ذوالنوری خرده گیری به دولت بوده و یا تذکر صمیمانه، با مردم است اما فراموش نکنیم که بخش قابل توجه دیگری از انتقاداتی که آقای ذوالنوری مطرح کرده بود به مجلس بود، آن جا که گفته بود: «مجلس نقش خودش را در کنترل دولت برای اینکه به کمرهای خمیده مردم فشار وارد نشود ایفا نکرد؛ مجلس چه نقشی در این رابطه ایفا کرده است؟». آقای ذوالنوری تاکنون توضیح اصلاح گونه ای بر این بخش مهم موضعش نداده است و شاید هنوز از این که دولت خود را ملزم به هماهنگی با مجلس نمی داند انتقاد داشته باشد، همانطور که گفته بود: «امروز کدام برنامه و طرح مشترک بین مجلس و دولت به عنوان میثاق مشترک وجود دارد که ما بر اساس آن مطالبه گری و مشکلات مردم را پیگیری کنیم.»

چرخش در موضع یا پیچاندن افکار عمومی؟!

عده ای از تحلیلگران معتقدند که ممکن است موضع بسیاری از اصولگرایان در قبال دولت آقای رئیسی از حمایت به انتقاد تغییر کند، روشی که تازگی ندارد و در دولت آقای احمدی نژاد هم اتفاق افتاد، البته در این یکی با تاخیر کمتر و با دلیل و جنسی متفاوت تر. بعضی از تحلیل گران اعتقاد دارند که اصول‌گرایان برای آن که به معضل اصلاح‌طلبان در دوران ریاست‌جمهوری روحانی مبتلا نشوند در تلاش هستند تا از پذیرش مسئولیت در تشکیل و عملکرد دولت آقای رئیسی طفره رفته و حمایت خود را به شکل مشروط ادامه دهند و از هم اکنون راهی برای جدایی خود از دولت برای روزهای مبادا اندیشه کنند. البته که بین دولت آقای رئیسی و دولت آقای احمدی نژاد تفاوت است همانطور که بین این دو رئیس جمهور نیز تفاوت آشکاری وجود دارد. تنها وجه اشتراک این دو دولت، بجز حمایت همه جانبه در شکل گیری آن ها و پس از آن، حضور تعدادی عضو مشترک شاخص در هر دو دولت است که این موضوع بیشتر به ردپای تلاش یک جریان خاص برای حضور در عرصه ی قدرت برمی گردد، جریانی که به باور عده دیگری از تحلیل گران در بروز اختلاف در اردوگاه اصولگرایان بی تاثیر نیست.